

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هیم از آن به که کشور به دشمن د هیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

28 اکتوبر 2011

گذر هائی در فیس بک

(گذر پانزدهم)



جنابِ محترم داکتر صاحب نادر برهانی نوشته اند که :

شایستگی (۲)

محیط زیست ، فرهنگ متمدن ، معارف ، تسهیلات و زمینه فراهم سازی دانش برای
کودکان ، متضمن جهانی بینی وسیع ، سواد علمی و بصیرت سالم آینده سازان یک جامعه
میباشد!

Afzali Saeed Abdul Wahed

جنابِ محترم افضلی صاحب نوشته اند که:

جناب محترم و معظم آقای داکتر صاحب برهانی سلام پر محبت اینجانب را پذیرا شده امید که خسته نباشید. مطالب جدید و سازنده ای را که شما بزگوار با استفاده از درک مسئولیت بشری تان مورد بحث و سؤال قرار دادید واقعاً با ارزش و قابل قدر است که امیدوارم شاعران، نویسندگان و بخصوص برنامه سازان تلویزیونهای داخل و خارج کشور با درک مسئولیت وجدانی که دارند و هرکدام به گفته خودشان خود را مافوق بشر میدانند درین عرصه مصدر خدمت شوند. موفق و پیروز باشید.

من نمیگویم زیان کن یا فکر سود باش

ای ز فرصت بیخبر در هر چه هستی زود باش

Nader Borhani

جناب محترم داکتر صاحب نادر برهانی نوشته اند که :
برادرم افضلی صاحب محترم سلام، اولاً تشکر میکنم از کامنت مملو از احساسات ملی شما! ثانیاً باید به تائید فرموده شما اشاره نمود که ، شایستگی جزء لاینقطع کار و اعمال مدیریت رسانه ها نیز باید باشد.(بخصوص مدیریت به اصطلاح صدای افغان) ، اما این یک بحث بزرگ و طولانی میباشد ، که ان شاء الله بعد ها با همکاری ، مساعدت و نظردهی شما دوستان، موضوعات ذیربط را مورد بحث قرار خواهیم داد. شاد و کامگار باشید!

Nematullah Mokhtarzada

از نعمت الله مختارزاده

نادرا ! شایستگی (2) ، چه خوب انشا شده

خیلی (پرمعنا) ، (سلیس) و(ساده) و زیبا شده

(افضلی) محترم ! نازم به فهم و درک تو

جُرعه روشنگری ، بر تشنگان پیدا شده

نادرا ! به به ، چه گوهر های ناب دلپذیر

بی (تشاَجُر) ، خامه تحلیلی حکمفرما شده

گرچه (بد قولان) و بیمارانِ روحی بر کنار
 قصه (جولانگری)، خود غرق ، در دریا شده
 از محیطِ زیست گفتی ، دودِ باروتش بلند
 وز تمدنهای فرهنگی ، چلی ، ملا شده
 در زمینه سازیِ تدریس و دانش ، کودکان ،
 انتحاری گشته و ، گردش همه بالا شده
 با (سوادِ علمی) (چهل ساله) ، با لاف و پتاق
 دوکترای (خردجالی) ، مودِ امریکا شده
 در لباسِ جعلی (آینده سازانِ) وطن
 * (تلوزونچی) ها همه ، دلالِ کسبِ ما شده
 یک مثالِ زنده اش (مستر کچالوی خطاب)
 دومی هم (عبدالرحمانِ کچل) گویا شده
 وردک نامردک و ، اسفندیار لم لمی
 بر جفنگ و قصه سرمنگسک پیدا شده
 سومین و ، چارمین و ، پنجمین و ، ششمین
 یک یکی در نزدِ ما بی پرده و رسوا شده
 پای گردکها که می لولند ، چون ماش و نخود
 جرمنی را عهده دارِ حزبِ جریباها شده
 اینهمه برنامه دارانِ (جوان) و (پیرکی)
 مرد و زن در فکر، خوردن خوردنِ حلوا شده
 (اجتماعی) و (سیاسی) ، (تفریحی) و (مذهبی)
 جانِ هم افتاده ، از زنجیرِ خود ایلا شده
 بهرِ شهرت ، طولِ عمرِ نام و ، کسب و کاسبی
 هر خیانت ، هر جنایت ، لقمه احلا شده
 خیزک و جستک زنان ، این شادی بازانِ پلید

یک دوسه تا ، نه ، بلکه خارج از احصا شده
یادِ کابل ، جاده میوند و چنداول بخیر
زانکه لیلای فروشی (باس) (تی وی) ها شده
هر خبیثِ اجنبی در ملکِ ما ، فرمانروا
سینه مادر وطن ، پُر زخمِ شادی ها شده
رهزنانِ همچو (کرزی) چرسیان و بنگیان
تُنگرِ ایران و پاکستان و امریکا شده
بار ها گفتم که سنگِ اولی ، بنهاده کج
روس و انگلیس و عرب ، قاضی کارِ ما شده
چون قضاوت شد قساوت، مجرمان هم مجرمان
دیگر دال و دلده گد ، با کچی و شوربا شده
گوشها ، کر گشته و احساس ها ، هم یخ زده
« نعمتا » خاموش ، کور و کر همه یکجا شده

